

ایستاده در زمین محکم

اول قرن‌تیان ۱، ۴ - ۹



همیشه خدا را به‌خاطر آن فیضی که او در عیسی مسیح به شما عطا فرموده است شکر می‌کنم، زیرا در اتحاد با مسیح از هر لحاظ از جمله در کمال سخنوری و معلومات غنی شده‌اید. شهادت ما درباره مسیح در بین شما به نتیجه رسیده است. و شما در حالی که انتظار ظهور خداوند ما عیسی مسیح را می‌کشید، از هیچ‌یک از عطایای روح القدس بی‌نصیب نیستید. او شما را تا به آخر استوار خواهد داشت تا در روز خداوند ما عیسی مسیح بدون عیب و نقص حاضر شوید. خدا شما را دعوت کرده است تا در حیات پسر او، خداوند ما عیسی مسیح شریک و سهیم شوید و او همیشه به قول خود وفادار است.

برای انسانها مهم است بدانیم که کجا ایستاده ایم. کشاورز تمام آینده خود را بر روی زمین می‌سازد. چون از آن زمین می‌خواهد به کاشت و برداشت برسد. بنابراین کشاورز باید مراقب زمین باشد تا اطمینان حاصل کند که زمین خوب است. از آنجا که این اساس زندگی اوست. زمین زیر پای ما نیز در مناطق دیگر اهمیت دارد. چقدر بد است که زمین زیر پاهایتان را از دست بدهید، یک بار تجربه کردم وقتی ناگهان با دوچرخه از روی زمین یخ زده رد شدم، کاملاً کنترل را از دست دادم. این یک احساس بد است. ما انسانها در هر نقطه از زندگیمان به زمین امن نیاز داریم. اگر کودکان پدر و مادر نداشته باشند و یا دائماً پدر و مادر آنها تغییر کند، آنها در زندگی احساس امنیت نخواهند داشت. اگر شما مجبور شوید خانه خود را ترک کنید و همه چیزهای شناخته شده را رها کنید تا بتوانید در یک کشور خارجی زندگی کنید، حداقل در ابتدا بی‌نظم و ناامید هستید. مثل زمین که دچار زلزله شده است.

این خاک که بر روی آن ایستاده ایم، در کلیسا بسیار مهم است. کلیسای قرن‌تیان انجیل را شنید و به مسیح ایمان آورد. ایمان در مسیح رسیده بود. بسیاری از مردم با هدیه خوب در کلیسا کار کردند. جامعه قرن‌تیان رشد کرد و بهتر شد. اما به خطر بزرگ هم باید اشاره کرد. این دقیقاً هدیه کلیسا بود که آنها را به عدم اطمینان آورده است. اتفاق‌هایی که در کلیسای قرن‌تیان افتاد، متفاوت از کلیسای مدرن نیست. جمعیت‌های کلیسا بر یکدیگر غلبه کردند. بسیار سریع رتبه بندی در جامعه به وجود آمد. آنها بین مسیحیان خوب و مسیحیان کمتر خوب فرق گذاشتند، حسادت و نزاع هم به این کار اضافه شده بود. در مدت زمان کوتاهی، جامعه تهدید به نابودی شد. در این وضعیت، پولس به کلیسا نامه می‌نویسد و به او می‌گوید که طبقه‌ی مهم و امنیت در کجا کلیسا می‌تواند بایستد.

این مهم است: کلام خدا که در آن ایستاده ایم، از این کلام خداوند ما آینده نگری بیشتری به دست می‌آوریم. ما در اینجا هدف خود را در مسیح پیدا می‌کنیم.

آن چه که قرن‌تیان انجام داد، جدید نیست. مردم نخستین به جای کلام خدا، شیطان را اطاعت کردند و باور داشتند. امروز هم تغییری نکرده است. ما انسانها تمایل داریم همه چیز را تحت اراده ذهن خودمان داشته باشیم و آنچه را که متناسب ذهن ما نیست به سرعت رد می‌کنیم. اما ما نمی‌توانیم کتاب مقدس را از طبق ذهن انسان بخوانیم. از آنجا که کتاب مقدس کلام خدا است. و خداوند از طریق کتاب مقدس با ما سخن می‌گوید. اگر واقعا صدای خدا را باور کنیم، می‌توانیم کتاب مقدس را درک کنیم. اما شیطان همیشه بین ما و خدا ایستاد و گفت: "آیا خدا واقعاً چنین گفته است...؟" آیا این معنی متفاوت دارد؟ سخنرانی پولس در برابر بسیار از خطاهای انسانی قوی است که هنوز هم در کلیسای امروز وجود دارد. کلام خداست که می‌تواند ما را نجات بدهد. کلام خدا مانند یک فانوس در دریای طوفانی باقی می‌ماند و به ما جهت و امنیت می‌دهد. به عنوان مثال، در قرن نوزدهم، برای اولین بار در تاریخ، فانوس دریایی در وسط دریای شمال ساخته شد. راز تکنسین پس از آن هنوز هم برای ساخت توربین‌های بادی در دریا استفاده می‌شود. به عبارت ساده فانوس دریایی باید محکم به زمین متصل شود، و سپس حتی در دریا نیز می‌تواند ایستاده باشد. پس از آن او می‌تواند طوفان را تحمل کند. این دقیقاً همان کاری است که کلام خدا برای ما می‌کند. کلام خدا کاملاً محکم در خود خداست. شما نمی‌توانید آن را تکان دهید. و به این ترتیب ما می‌توانیم حتی در بدترین طوفان‌ها زنده بمانیم. اما به محض این که کلام خدا را از خدا جدا می‌کنیم، به عدم اطمینان می‌افتیم. ناخدای کشتی‌هی، که در آن زمان در دریای شمال تردد داشتند، از فانوس دریایی Roter Sand قردانی کردند. او توانست

بسیاری از آنها را نجات دهد. نا خدایان کشتی ها به طرف فانوس دریایی رفتند تا توانستند به مقصد برسند. به همین ترتیب، کلام خداوند هدف ما را با هدف در خداوند هماهنگ می کند. ما انسان ها در کلیسا ما نزدیک کشتی در دریاها آزاد هستیم. در اطراف ما دریا خشن است. در اطراف ما ناامیدی زیادی وجود دارد. جهان با وسوسه های بسیار مانند دریای طوفانی است. آنها هیچ چیز از هدف ما در خداوند نمی دانند. بنابراین امواج شک و تردید، آزار و اذیت در برابر کشتی کوچکی که کلیسا نامیده می شود، وجود دارد. ما مسیحیان در کلیسا مثل خدا نیستیم. ما اغلب توسط امواج خشمگین که در اطراف ما هستند متقاعد می شویم. گاهی اوقات ما به حرف خدا ایمان نداریم، گاهی اوقات ما تحت تاثیر قوانین جهان قرار می گیریم. حرص و طمع، و حسادت ما را به پیش می کند. گاهی اوقات ما با یکدیگر مبارزه می کنیم. گاهی اوقات هم ما با تمام توان خودمان برای مبارزه با امواج که در اطرافمان هستند تلاش می کنیم. هنگامی که این اتفاق می افتد، ما دیگر به فانوس دریایی نگاه نمی کنیم، بلکه به بدی های اطرافمان نگاه می کنیم. سپس همه چیز از کنترل خارج می شود و ما مسیر را گم می کنیم. همه این اتفاق ها در کلیسا ی قرن نهمین افتاد و پولس از خدا می گوید و شگفت زده می شوید که با چه اطمینانی در مورد آن می داند و می تواند در مورد آن صحبت کند که خدا مطمئناً کلیسا را در قرن نهمین نیز حفظ خواهد کرد. پولس ایمان خود را در دل خود به ارمغان می آورد. ایمان، این همان چیزی است که پولس در خود خدا پیدا می کند. خدا خودش کلیسا را تاسیس کرد. پولس در آن زمان جامعه را به یاد می آورد، جای که از آن می آید، خدا خود را از طریق عیسی قدرتمند کرد. به همین دلیل جماعت قرن نهمین برای اولین بار به این ایمان رسیدند. خداوند در این کلیسا هنوز مشغول به کار است. بنابراین، پولس می تواند حتی در شرایط ناگوار در قرن نهمین سپاسگزار باشد. چشمان او بر خداست. خدا وفادار است همانطور که او عیسی مسیح را از میان مردگان بلند کرد، همین گونه نیز ما را بیدار می کند. جهان و احساسات مبهم ما آخرین حرف در مورد زندگی ما نیستند بلکه آخرین کلام با خداست. او زندگی ما را برای ما تعیین کرده است. عزیزان، چه تسلی بزرگ است که پولس کار خداوند را در جماعت قرن نهمین دید. در حال حاضر در کلیسا چیزهای بزرگتر از کار انسان وجود دارد. شاید ما نگران هستیم که تعداد کمتری از مردم در کلیسا هستند. این به این معنی است که افراد کمتری باید کار بیشتر انجام دهند. این چقدر طول می کشد؟ تا آنها نمی توانند کار انجام دهند؟ جایی که جمعه قرن نهمین فراوانی داشت، ما چیزی کافی برای همه چیز نداریم. اما خطر بزرگ این است که ما هنوز به نگرانی ها نگاه می کنیم و نه به کسی که ما را آفریده است. زمانی که دوچرخه سواری کردم و زمین محکم را احساس کردم، دوباره می توانستم نفس بکشم. این کاری است که زمانی که ما کلام خدا را پیدا کنیم، می توانیم احساس کنیم. من می خواهم روی این کلام خدا ایستادگی کنم. خوب است بدانید که برای چه چیزی ایستاده اید درست در زمانی که عده زیادی علیه ما صحبت می کنند و خدا وفادار است و دروغ نمی گوید. آمین.